

## بررسی ابعاد سیاسی و حقوقی برجام از نظر بین المللی و داخلی (با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری)

احمد بازاری<sup>۱</sup>، عباس سهراب زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران  
<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی، دانشگاه پیام نور، مرکز ایلام، ایلام، ایران

نویسنده مسئول:

احمد بازاری



### چکیده

برجام یک سند بین المللی است و نام آن مخفف عبارت برنامه جامع اقدام مشترک<sup>۱</sup> است. این سند یک موافقتنامه بین المللی است که پس از ۲۲ ماه مذاکرات فشرده در مورد مسایل اتمی ایران در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ در وین اتریش میان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران، دولت‌های گروه ۵+۱ و نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا مورد توافق قرار گرفت و به نوعی خاتمه مناقشات چندین ساله ایران و این کشورها در خصوص برنامه هسته ای کشورمان می باشد. تحلیل و بررسی برجام و مطالعه آثار اجرای توافق و تعهدات صورت گرفته در قالب برجام، در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی و بین المللی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. یکی از مهمترین و پرچالش ترین ابعاد در خصوص متن نهایی برجام بررسی ابعاد حقوقی و بین المللی، نحوه التزام و پایبندی طرفین به تعهدات صورت گرفته و نظام حقوقی داخلی است. برجام در واقع تضمینی است که برنامه هسته ای ایران منحصراً صلح آمیز بوده و یک تغییر بنیادین در نگرش و بینش اتحادیه اروپا و کشورهای گروه ۵+۱ به این موضوع را رقم می زند. تعیین ماهیت برجام، هم از جهت نحوه لازم الاجرا شدن آن و هم از جهت آثاری که به جا می گذارد حائز اهمیت بسیار است.

**کلمات کلیدی:** ابعاد سیاسی، ابعاد حقوقی، برجام، نظام بین الملل، مقام معظم رهبری.

<sup>1</sup>. Joint Comprehensive Plan of Action

**مقدمه**

بدون شک نمی‌توان نقش سازمان‌های بین‌المللی را در حیات بین‌المللی و در ایجاد حقوق بین‌الملل امروزه انکار کرد. یکی از موضوعاتی که نقش سازمان‌های بین‌المللی را به صورت برجسته نشان می‌دهد توافقنامه بین ایران و ۵+۱ یا همان برجام می‌باشد. برجام یک سند بین‌المللی است و نام آن مخفف عبارت (برنامه جامع اقدام مشترک) است. این سند یک موافقتنامه بین‌المللی است که پس از ۲۲ ماه مذاکرات فشرده در مورد مسایل اتمی ایران در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ در وین اتریش میان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران، دولت‌های گروه ۵+۱ و نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا مورد توافق قرار گرفت و به نوعی خاتمه مناقشات چندین ساله ایران و این کشورها در خصوص برنامه هسته‌ای کشورمان می‌باشد. برجام در واقع تضمینی است که برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز بوده و یک تغییر بنیادین در نگرش و بینش اتحادیه اروپا و کشورهای گروه ۵+۱ به این موضوع را رقم می‌زند. یکی از مهمترین و پرچالش‌ترین ابعاد در خصوص متن نهایی برجام بررسی ابعاد حقوقی و بین‌المللی، نحوه التزام و پایبندی طرفین به تعهدات صورت گرفته و نظام حقوقی داخلی است. برجام در واقع تضمینی است که برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز بوده و یک تغییر بنیادین در نگرش و بینش اتحادیه اروپا و کشورهای گروه ۵+۱ به این موضوع را رقم می‌زند. تعیین ماهیت برجام، هم از جهت نحوه لازم‌الاجرا شدن آن و هم از جهت آثاری که به جا می‌گذارد حائز اهمیت بسیار است. تحلیل و بررسی برجام و مطالعه آثار اجرای توافق و تعهدات صورت گرفته در قالب برجام، در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی و بین‌المللی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. یکی از موضوعات حقوقی که پیرامون توافق ایران و ۵+۱ مطرح است و در جایگاه بررسی ماهیت برجام نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت، پاسخ به این سوال است که آیا برجام یک توافقنامه بین‌المللی بوده و بایستی آن را در ذیل موضوعات حقوق معاهدات مورد بررسی قرار داد یا ماهیت آن قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد است و یا ماهیت دیگری متفاوت از این دو دارد. زیرا در صورت تفاوت ماهیت برجام بررسی روند قانونی و متن نهایی برجام و نحوه تاثیرگذاری هر یک از نهادهای موجود در نظام حقوق داخلی جمهوری اسلامی ایران متفاوت خواهد بود. لذا بر اساس آنچه گفته شد تحلیل و بررسی برجام و مطالعه آثار اجرای توافق و تعهدات صورت گرفته در قالب برجام، در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی و بین‌المللی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

**چارچوب نظری**

چارچوب نظری پژوهش حاضر مبتنی بر نظریات گفتمان است. مفهوم گفتمان امروزه در بسیاری از رشته‌ها و رهیافت‌ها از زبان‌شناسی گرفته تا ادبیات، فلسفه و علوم اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظریه گفتمان یکی از نظریات جدید و تاثیرگذار در عرصه علوم سیاسی است. جامعه‌شناسان و علمای سیاست طی دهه‌های اخیر به شکل گسترده‌ای از این نظریه در تحلیل پدیده‌ها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی بهره برده‌اند. از این رو، می‌توان آن را یکی از نظریات غالب در حوزه روش‌شناسی در «عصر فرامدرن» به حساب آورد.

در سال‌های اخیر نظریه گفتمان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی کاربرد وسیعی یافته است. شاید بتوان مهم‌ترین دلیل رشد این نظریه را نارضایتی از پوزیتیویسم، به خصوص در رشته‌هایی چون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی دانست. رشد این نظریه همچنین تحت تأثیر چرخش زبانی در دهه ۱۹۷۰ و نظریه‌های هرمنوتیک، نظریه انتقادی و پسا ساختارگرایی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قرار داشته است. این نظریه بر نقش زبان در بازنمایی و نیز ایجاد واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند. مطابق با این نظریه، دسترسی به واقعیت تنها از طریق زبان میسر است؛ اما بازنمایی واقعیت از طریق زبان هرگز بازتاب واقعیت از پیش موجود و عینی نیست، بلکه در این بازنمایی، زبان در ایجاد واقعیت نقش ایفا می‌کند. (تاج زاده ۱۳۷۸، ۶۱). در واقع جهان محصول گفتمان‌هاست. البته این نظریه وجود واقعیت را نفی نمی‌کند، اما معتقد است اشیاء و پدیده‌ها تنها از طریق گفتمان معنا می‌یابند؛ برای مثال طغیان رودخانه و جاری شدن سیل حادثه‌ای است که مستقل از تفکر و ذهنیت مردم روی می‌دهد، اما از همان زمان که مردم شروع به معنادگی با آن می‌کنند تبدیل به موضوعی گفتمانی می‌شود و افراد بر اساس گفتمان‌های مختلف، آن را به هشم خدا، سوء مدیریت دولتی، آل نینو، خرابی سیل‌بند و... نسبت می‌دهند و به این ترتیب، این واقعه بر اساس هر گفتمان معنای متفاوتی پیدا می‌کند؛ اما دامنه گفتمان فقط به معنا بخشی محدود نمی‌شود، بلکه هر یک از این دریافت‌ها سلسله اعمال خاصی را ایجاد می‌کنند و پیامدهای خاص اجتماعی را به دنبال دارند؛ از این رو در مثال بالا، بر اساس هر گفتمان تصمیمات متفاوتی چون ساختن سیل‌بند، دفاع از سیاست‌های زیست‌محیطی، انتقاد از دولت و یا تقویت دین‌داری اتخاذ می‌شود. بنابراین گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و جهان اجتماعی در نتیجه همین فرآیند معنا بخشی ساخته می‌شود و تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، در این نظریه زبان صرفاً گذرگاه انتقال اطلاعات و بازنمایی صرف واقعیت نیست، بلکه ماشینی است که جهان اجتماعی را می‌سازد و

معنادار می‌کند. هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز محصول زبان و گفتمان‌ها هستند و تغییر در گفتمان تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت و نزاع گفتمانی به تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود. همچنین این نظریه بر تاریخی و فرهنگی بودن هویت و دانش انسانی تأکید می‌کند (مصلی نژاد ۱۳۸۷، ۲). مؤلفه‌های اساسی نظریه‌ی گفتمان لاکلا و و موفه بدین شرح است:

### ۱- مفصل‌بندی

کنشی که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، دال‌ها، نمادها و... چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند. از این‌رو، هویت یک گفتمان در اثر رابطه‌ای شکل می‌گیرد که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید. در فرآیند مفصل‌بندی، گفتمان‌ها دال‌های شناور در عرصه اجتماع را همانند قطعات به هم ریخته پازل، به گونه‌ای کنار هم می‌چینند که معنایی همه‌فهم و تصویری روشن از نظام سیاسی اجتماعی به دست دهد. با هژمونیک شدن نظام معنایی مفصل‌بندی شده، ثبات معنایی حاصل می‌شود. (سلطانی ۱۳۸۳، ۲۶).

### ۲- دال و مدلول

این دو مفهوم در نظریه لاکلا و و موفه نقش کلیدی دارند. دال‌ها اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. در میان تمامی دال‌های یک گفتمان به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، «دال مرکزی» می‌گویند. دال مرکزی به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت دارد، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال موردنظر برایمان معنا می‌شود. به عنوان مثال، تکرار مطبوعات منتقد یک علامت، نشانه یا یک «مدلول» است که ما را به دال «آزادی بیان» رهنمون می‌شود. به عبارت دیگر آزادی بیان را برای ما معنا می‌کند. البته آزادی بیان مدلول‌های (نشانه‌هایی) دیگر هم دارد؛ از این‌رو به آن «دال شناور» می‌گویند. دال شناور دالی است که مدلول آن شناور (غیرثابت) است؛ به عبارت دیگر، مدلول‌های متعدد دارد و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول موردنظر خود به آن، با هم رقابت می‌کنند (سالار کسرابی و پوزش شیرازی ۱۳۸۸، ۲۳۰).

### ۳- ضدیت، غیریت

گفتمان‌ها اساساً در تفاوت و ضدیت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. روز را تنها در تعارض با شب می‌توان شناخت. پس هویت روز وابسته به شب است و برعکس. هویت تمامی گفتمان‌ها مشروط به وجود غیر است، از این‌رو آنها برای کسب هویت، همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند. ایجاد و تجربه غیریت‌سازی‌های اجتماعی از سه جهت برای نظریه گفتمان دارای اهمیت محوری است: اولاً، خلق رابطه‌ای غیریت‌سازانه که همواره شامل تولید «دشمن» یا «چیزی دیگر» است، برای تاسیس مرزهای سیاسی دارای اهمیت بسزاست. ثانیاً، تشکیل روابط غیریت‌سازانه و تثبیت مرزهای سیاسی، برای تثبیت جزئی هویت تشکل‌های گفتمانی و عاملان اجتماعی اهمیت اساسی دارد. ثالثاً، آزمون غیریت‌سازی مثال خوبی است برای نشان دادن احتمال وقوع بودن هویت. (حسینی زاده ۱۳۸۳، ۵۹).

حال سؤال این است که در رویکرد گفتمان، مفهوم غیریت‌سازی دقیقاً به چه چیزی باز می‌گردد. مباحث سنتی غیریت‌سازی غالباً بر شرایطی که تناقضات، تحت آن‌ها واقع می‌شوند استوار بوده است. در مقابل، بر اساس نظریه گفتمان، غیریت‌سازی‌ها به این علت اتفاق می‌افتند که به دست آوردن هویتی مثبت و کامل برای عاملان و گروه‌ها غیرممکن است. این بدان علت است که حضور «دشمن» در رابطه‌ای غیریت‌سازانه مانع از کسب هویت توسط «دوست» می‌شود. برای مثال، کارگرانی را در نظر بگیرید که علت اخراجشان این است که دولت می‌خواهد از طریق وارد کردن فن آوری جدید، وضعیت تولید را در صنعتی ملی بهبود بخشد. از نظر کارگران، اقدامات دولت و مدیران، مستقیماً مانع از این می‌شود که آن‌ها هویتشان را به عنوان کارگر به دست آورند. از نظر مدیران و دولت، کارگران مانع نوسازی صنعت و باعث تضعیف دولت هستند. پس، تجربه غیریت‌سازی - تضاد بین کارگران و مدیران - مبین شکستی دو جانبه برای کسب هویت است، هم برای کارگران و هم برای مدیران و دولت؛ در حالی که هر دوی این‌ها سعی می‌کنند نظر خود را بر دیگری تحمیل کنند.

#### ۴- برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» همراه است. این دو مفهوم به اشکال مختلف در عرصه مناظرات گفتمانی ظاهر می‌شوند. طرد یا حاشیه‌رانی نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب و برجسته‌سازی نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب از آن جمله است. در واقع برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و هژمونی یک گفتمان است (سالار کسرابی و پوزش شیرازی ۱۳۸۸، ۲۳۰).

#### ۵- منطق تفاوت، منطق هم‌ارزی

«منطق تفاوت» به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تمایزها و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند. اما گفتمان‌ها پیوسته در تلاش هستند تا تفاوت‌های موجود را پنهان کنند و جامعه را یکدست نشان دهند. این کار به وسیله ایجاد یک زنجیره‌ی هم‌ارزی انجام می‌شود. اگرچه پنهان کردن تفاوت‌ها همیشه موقتی است و هر لحظه این امکان وجود دارد که اختلافات هویدا شود، چرا که منطق تفاوت می‌کوشد از راه تأکید بر تفاوت‌ها و تنوعات و به تبع آن، اختلافات موجود در عرصه اجتماعی، «زنجیره‌ی هم‌ارزی» موجود را به هم بریزد.

#### ۶- استیلا یا هژمونی و تثبیت معنا

اگر بر سر معنایی خاص برای یک دال در جامعه اجماع حاصل شود، به عبارت دیگر، افکار عمومی معنایی مشخص را برای آن هرجند به طور موقت بپذیرد، آن دال هژمونیک می‌شود. با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان، کل آن گفتمان هژمونیک می‌شود. تثبیت موقت هویت‌ها، اصلی‌ترین کارویژه‌ی هژمونی در گفتمان است. دستیابی به هژمونی یا استیلا بر ساحت اجتماعی که غایت یک گفتمان به شمار می‌رود، به کمک تثبیت معنا امکان‌پذیر خواهد بود.

#### ۷- تزلزل یا بی‌قراری

اساساً هژمونی و تثبیت معنای دال‌ها در تمام گفتمان‌ها موقتی است. گفتمان‌ها همیشه به وسیله‌ی گفتمان‌های رقیب و بحران‌های اجتماعی دچار تزلزل می‌شوند. بنابراین، همواره این امکان وجود دارد که معنای تثبیت شده‌ی دال‌های یک گفتمان متزلزل یا اصطلاحاً بی‌قرار شود (از سوی افکار عمومی وستی آن مورد تردید واقع شود). هنگامی که نظام معنایی یک گفتمان متزلزل شود، کل آن گفتمان متزلزل می‌شود و زمینه برای جانشینی گفتمان رقیب فراهم می‌شود.

#### ۸- موقعیت سوژه‌ای و سوژگی سیاسی

«موقعیت سوژگی» به تسلط گفتمان هژمون بر سوژه‌ها اشاره دارد. هنگامی که سوژه در چارچوب یک مفصل‌بندی هژمونیک قرار گرفت، در آن مضمحل و آزادی عملش محدود می‌شود. در این حالت، این گفتمان است که جایگاه سوژه و الگوی عمل وی را معین می‌کند. «سوژگی سیاسی» نیز به حالتی می‌گویند که بر اثر بی‌قراری‌های اجتماعی، موقعیت گفتمان مسلط متزلزل می‌شود. در این هنگام، سوژه آزادی عمل می‌یابد تا به عنوان یک «کارگزار» یا «عامل سیاسی» دست به فعالیت بزند؛ گفتمان هژمون را به چالش بطلبد و نظم موردنظر خویش را بر جامعه مسلط سازد (سالار کسرابی و پوزش شیرازی ۱۳۸۸، ۲۳۱).

#### رویکرد دولت یازدهم به برنامه‌های هسته‌ای

افزایش تنش میان ایران و غرب بر سر موضوع هسته‌ای باعث شد موضوع فعالیت‌های هسته‌ای کشور مسائل مختلف سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور را تحت تأثیر قرار دهد، به ویژه پیوند خوردن تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات اقتصادی با موضوع هسته‌ای، آن را به یکی از محورهای اصلی رقابت‌های انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری بدل نمود. در این بین، سعید جلیلی و حسن روحانی به عنوان حاملان دو گفتمان اصلی رقیب بر سر موضوع هسته‌ای، در پی هژمونیک نمودن گفتمان خود بودند. سعید جلیلی که مسئول پرونده هسته‌ای در دولت احمدی‌نژاد بود، به عنوان حامل گفتمان مسلط، در پی تداوم گفتمان حاکم بر موضوع هسته‌ای در دوره دولت دهم بود. جلیلی که با گفتمان ستیزش با دال مرکزی تقابل بازدارنده در موضوع هسته‌ای با میدان انتخابات ریاست جمهوری گذاشته بود، تلاش داشت با برجسته‌سازی دال مرکزی تقابل بازدارنده زمینه به حاشیه راندن گفتمان رقیب را از طریق «سازش کار» معرفی کردن آن، فراهم آورد (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۳، ۱۰۵).

در مقابل، حسن روحانی که خود را حامل گفتمان اعتدال می‌دانست، در پی آن بود تا بر پایه دال مرکزی آن، یعنی تعادل و توازن، به صورت‌بندی گفتمان هسته‌ای خود پرداخته و آن را به منزلت هژمونیک برساند. از این‌رو، وی تلاش کرد و توانست با برقراری تعادل و توازن بین «تقابل بازدارنده» به عنوان دال مرکزی گفتمان ستیزش و «تسلیم بازنده» به عنوان دال مرکزی گفتمان سازش تعامل سازنده را به عنوان دال مرکزی گفتمان هسته‌ای اعتدال تعیین و هژمون سازد (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۳، ۱۰۶-۱۰۵).

دولت روحانی با وعده چرخیدن هم‌زمان چرخ سانتریفیوژها و زندگی مردم وارد انتخابات شد و متناسب با همین شعار سیاست خود در موضوع هسته‌ای را تعدیل سیاست هسته‌ای کشور و کاهش هزینه‌های ناشی از آن معرفی نمود. روحانی راه پیشرفت کشور و کسب جایگاه و منزلت ایران در معادلات بین‌المللی را نه در تقابل که در تعامل سازنده با جهان جستجو می‌نمود. روحانی بر خلاف اصول گرایان که موضوع هسته‌ای را به موضوعی محوری و هویتی بدل نموده بودند، در پی به حاشیه راندن این موضوع و حل و فصل منصفانه و مسالمت‌آمیز آن با غرب بود. روحانی بر پایه شعار اعتدال، گفتمان سیاست خارجی خود را آرمان‌گرایی توأم با واقع‌گرایی معرفی نمود که راهی میانه و بین‌سازش و ستیزش با غرب به رهبری آمریکا بر سر موضوعاتی چون موضوع هسته‌ای است. جدال و رقابت دو گفتمان ستیزش و اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی حسن روحانی به عنوان حامل گفتمان اعتدال منجر شد. پیروزی حسن روحانی با شعار اعتدال در خردادماه ۱۳۹۲، به معنای هژمونی گفتمان اعتدال در موضوع هسته‌ای بود. برای شناخت عناصر و دقایق این گفتمان می‌بایست در لابه‌لای سخنرانی‌های رئیس‌جمهور روحانی به دنبال نظام معنایی و گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم باشیم.

### پیامدهای توافق هسته‌ای

پرونده هسته‌ای ایران نتیجه ۱۲ سال انباشت مسائل پیچیده سیاسی است. پرونده هسته‌ای ایران به گفته اغلب ناظران از پیچیده‌ترین موضوعات بین‌المللی است که گره‌های بسیار در آن افتاده است، منافع کشورها و بازیگران بسیاری به این پرونده گره خورده است، از حریفان منطقه‌ای ایران و شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس تا لابی صهیونیستی در غرب و تل‌آویو. در واقع مسأله هسته‌ای ایران رشته در هم پیچیده‌ای را می‌ماند که دیپلمات‌های دو طرف می‌بایست با طمانینه و تدبیر برای گشودن یکایک این گره‌ها تلاش کنند. پرونده اختلافات هسته‌ای ایران و کشورهای غربی عمری ۱۲ ساله دارد. هشت سال پایانی از این ۱۲ سال در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد بود و همه اختلافات باقیمانده و حل شده قطعاً زیر سر همین هشت سال پایانی است بنابراین دور جدید مذاکرات در شفاف‌سازی و به نتیجه رساندن موضوعات مورد اختلاف از جایگاه مهمی برخوردار است. در همین راستا ایران و غرب کوشیدند در این دور از مذاکرات، نظرات خود را به شکل صریح‌تر به یکدیگر منتقل کنند. همچنین تلاش کردند مسائل باقیمانده در موارد کلی و جزئی را با تعامل یکدیگر حل کنند. اگرچه مذاکرات تاکنون در چند مرحله تمدید شده اما سخن از بی‌نتیجه ماندن و شکست مذاکرات سخنی گزاف و بیهوده است. تمدید ادبیاتی است که دیپلمات‌ها معنایی جز شکست از آن درک می‌کنند. ([jomhourieslami.com](http://jomhourieslami.com)). باید پذیرفت در یک بازه زمانی مطمئن‌تر، تصمیمات منطقی‌تر و کارآمدتری برای تنظیم توافق نهایی از منظر محتوایی گرفته می‌شود و امکان مدیریت تأثیرات توافق احتمالی آینده را افزایش خواهد بخشید. لذا این جمله که گفته شود «در وین و در مذاکرات هسته‌ای توافقی حاصل نشد» یک واقعیت کذب باید خوانده شود چرا که از منظر وسیع توافق، توافق دارای بازه حقیقت است و هم از نگاه دقیق دیپلماسی و گام‌های ضروری در آن باید به معنای توافق به آن نگریست. لذا تمدید مذاکرات و نشان دادن اراده سیاسی برای حل و فصل موضوعات باقیمانده در قالبی مستحکم به گونه‌ای که هر دو طرف خود را در این مسیر ملزم به اجرای توافقات در آینده بدانند، دارای استحکام معنایی است. از این منظر باید قبول کرد که دور جدید مذاکرات توانسته است گامی در مسیر حل و فصل مذاکرات در چارچوب کیفی نمودن توافقات به عمل آمده داشته باشد. اگرچه این مسیر می‌تواند آرام طی شود اما باید اطمینان عملیاتی از تعریف نظری کنونی تفاهمنامه حاصل شود تا توافقی مثبت و مستحکم از نظر کیفی بودن متن توافق را حاصل نماید. ایران یکی از مهم‌ترین قدرت‌های منطقه و شاید بتوان اذعان داشت پراهمیت‌ترین قدرت منطقه‌ای است که هر رویدادی در آن انعکاس بین‌المللی پیدا می‌کند. باید توجه داشت که نقطه عطف بسیاری از بحران‌ها در منطقه در وضعیت کنونی، مسأله‌ای تحت عنوان «روابط ایران با غرب» است. نقطه مرکزی این گره اساسی نیز در پرونده هسته‌ای است، بنابراین حل و فصل پرونده هسته‌ای می‌تواند گره مسائل منطقه‌ای را باز کند و به تبع آن تأثیرات بسزایی در بازگشایی گره‌های دیگر منطقه‌ای در نظام بین‌المللی داشته باشد. امید است در دور آینده، مذاکرات هسته‌ای با پیشرفت‌های محسوسی مواجه شود.» ([jomhourieslami.com](http://jomhourieslami.com))

طی یکسال و نیم از دولت یازدهم و پیگیری دور جدید مذاکرات هسته‌ای، نشان داد که نه ایران «محور شرارت» بود که آمریکایی‌ها تصور می‌کردند و اصرار داشتند که به دنیا بقبولانند و نه آمریکا آن تضادهای غیرقابل حلی را که بسیاری در ایران تصور می‌کنند با ما دارد.

آمریکا متوجه شده امروز دولتی در ایران بر سر کار آمده که با تمام وجود می‌خواهد گره پرونده هسته‌ای را با واقع‌بینی و حفظ و حراست از منافع و مصالح مردم و نظام حل و فصل کند. آنان دیدند تیم مذاکره‌کننده ایرانی جدی و مصمم پشت میز مذاکره آمده است. آن‌ها درک کردند ظریف و روحانی، سودای بهره‌برداری سیاسی از موضوع هسته‌ای را ندارند. روشن است که



آمریکایی‌ها نمی‌خواهند این فرصت را از دست بدهند. توافقاتی که تاکنون از جانب تیم مذاکره‌کننده ایرانی صورت گرفته، بالاترین گواه برای غرب است که ایران واقعاً نه به دنبال سلاح هسته‌ای است و نه به مسأله هسته‌ای به عنوان میدانی برای ستیز با غرب می‌نگرد. واقعیت این است که برخلاف ذائقه عامه مردم، دنیای دیپلماسی میان‌های با اتفاق‌های معجزه آسا ندارد. اساساً دیپلماتهای حرفه‌ای یاد می‌گیرند که نه بر مدار احساس بلکه بر منطق خرد رفتار کنند. آن‌ها می‌آموزند به جای پرواز در دنیای خیال روی زمین سخت واقعیت گام بردارند. این خصلت را محیط بین‌المللی به اصحاب مذاکره تحمیل می‌کند، زیرا بر خلاف صحنه سیاست داخلی، در عرصه بین‌المللی آن‌ها با بازیگران و قدرت‌های مختلف روبه‌رو هستند، این محیط پیچیده در عین حال که امکانات و فرصتهایی فراروی دیپلمات‌ها می‌گشاید اما محدودیتها و موانع خاص خود را دارد (www.sharghdaily.ir). به این دلیل هر تصمیم و هرگامی که یک دیپلمات بر می‌دارد چنان که بدون ملاحظه این موانع و مختصات باشد لاجرم به بن‌بست و حتی فاجعه می‌انجامد. مثال‌های بسیار برای این موضوع می‌توان از تاریخ سال‌های اخیر ایران ذکر کرد که حرکت‌های خارج از مدار و منطق دیپلماسی چه مشکلات و هزینه‌هایی را بر کشور و ملت تحمیل کرده است. دیپلماسی دولت یازدهم اکنون ذائقه و ذهنیت ما به دنیای دیپلماسی را تغییر می‌دهد. روحانی از ابتدا با چنین تعریفی از دیپلماسی رشته امور هسته‌ای را به شماری از افراد مجرب وزارت خارجه به رهبری ظریف سپرد. دست بر قضا یکی از محورهای اختلاف تیم هسته‌ای روحانی با بازماندگان دولت سابق بر سر انتخاب الگوی رفتار در میادین مذاکره بود. تیم سابق ظرف هشت سال به دنبال نوعی شوک درمانی در سیاست خارجی بود و بر این اساس به اتخاذ تصمیم‌های محیر العقول یا اتخاذ موضعگیری‌های خلاف عادات و آداب بین‌المللی مبادرت می‌کرد. اما نتیجه آن الگوی رفتار هیجانی این شد که ایران با سخت‌ترین تحریم تاریخ خویش روبه‌رو شد. تیم مذاکره‌کننده ایران قبل از عزیمت به این مأموریت از دادن هر گونه وعده محیر العقول پرهیز کردند. آن‌ها با تکیه بر توان و تجربه خویش در امر دیپلماسی موفق شده‌اند غول بی‌رحم تحریم را از معرکه هسته‌ای دور سازند، نکته‌ای که مخالفان از اقرار به آن می‌گریزند این است که ظرف یک سال اخیر روابط ایران و غرب از آستانه جنگ به آستانه صلح و همکاری کشیده شده است و هر گامی از ژنو تا نیویورک و از مسقط تا وین طرفین را به این هدف نزدیک‌تر ساخته است، اجلاس وین مهر تایید تازه‌ای بر این مسیر انتخابی زد و طرفین همپیمان شدند تا این مناقشه را جز از راه مذاکره دنبال نکنند. (www.sharghdaily.ir).

به‌طور کلی هرچند مسیر رسیدن به یک توافق چندجانبه بسیار سخت و دشوار به نظر می‌رسد، اما به نظر می‌رسد امکان بازگشت به شرایط پیش از آغاز مذاکرات وجود ندارد. حتی در صورت شکل‌گیری یک توافق حداقلی در ماه‌های آتی، امکان اعمال تحریم‌های جدید بسیار بعید به نظر می‌رسد و از سوی دیگر طبق توافق انجام‌شده، پیش‌بینی می‌شود در هفت ماه آینده نزدیک پنج میلیارد دلار از ذخایر ارزی به کشور بازگردد. وصول ۷ میلیارد دلار از قبل توافق ژنو براساس دو توافق گرفته میان گروه پنج به علاوه یک و جمهوری اسلامی ایران در ژنو در یک سال اخیر قرار شده بود طی دو مرحله ۴/۲ و ۲/۸ میلیارد دلار در اختیار ایران قرار گیرد که با واریز دو قسط آخر، کشورمان در مجموع ۷ میلیارد دلار دریافت کرده است. در پی توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ قرار بر این شد تا در مرحله اول ۴/۲ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه شده حاصل از فروش نفت ایران در هشت قسط به مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار در اول فوریه، ۴۵۰ میلیون دلار اول مارس، ۵۵۰ میلیون دلار ۷ مارس، ۵۵۰ میلیون دلار ۱۰ آوریل، ۴۵۰ میلیون دلار ۱۵ آوریل، ۵۵۰ میلیون دلار ۱۴ می، ۵۵۰ میلیون دلار ۱۷ ژوئن و ۵۵۰ میلیون دلار در تاریخ ۲۰ ژوئیه آزاد شود که در پایان این زمانبندی منابع مورد نظر آزاد و در ادامه واریز گردید. در دور دوم مذاکرات نیز قرار شد ۲/۸ میلیارد دلار آزادسازی شود که به این ترتیب قسط اول به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار (اول اوت ۲۰۱۴)، قسط دوم ۵۰۰ میلیون دلار (۲۵ اوت ۲۰۱۴)، قسط سوم ۴۰۰ میلیون دلار (۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴)، قسط چهارم ۵۰۰ میلیون دلار (۱۰ اکتبر ۲۰۱۴)، قسط پنجم ۵۰۰ میلیون دلار (۳ نوامبر ۲۰۱۴) و قسط ششم ۴۰۰ میلیون دلار (۲۳ نوامبر ۲۰۱۴) آزاد و در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد. تمام اقساط دور دوم توافقات به جز قسط‌های پنجم و ششم تا روز گذشته به حساب بانک مرکزی واریز شده بود و تنها ۹۰۰ میلیون دلار آن باقی مانده بود که این مقدار نیز دیشب به حساب بانک مرکزی واریز شد. (خبرگزاری مهر ۱۳۹۴/۱/۲۹). گفتنی است، با انعقاد توافقنامه وین در سوم آذر ماه بین ایران و شش قدرت جهانی طرفین توافق کردند در چارچوب این تفاهم تا ۱۰ اسفند ماه سال جاری (۱ مارس ۲۰۱۵) و توافق نهایی تا ۱۰ تیر سال آینده (۱ جولای ۲۰۱۵) ماهانه ۷۰۰ میلیون دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران را آزاد کنند. (مهری ۱۳۹۶، ۱۴).

جزئیات رفع تحریم‌های ایران بعد از اجرای توافق ژنو توافق هسته‌ای ژنو که اجرای آن در تاریخ ۳۰ دی ۹۲ میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ آغاز شد در بردارنده موضوعات گوناگونی است. در توافق مزبور ایران پذیرفته که اقدامات مهمی را در راستای اعتمادسازی و کاهش درصد غنی‌سازی در خصوص برنامه هسته‌ای خود انجام دهد و کشورهای گروه ۵+۱ نیز در مقابل تعهدات گوناگونی را در خصوص عدم وضع تحریم‌های جدید و لغو بخشی از تحریم‌ها و اقدامات محدودکننده موجود بر عهده گرفته‌اند. (ضیایی بیگدلی ۱۳۹۲، ۴۱). بر اساس توافق ژنو، جمهوری اسلامی ایران اقداماتی اعتماد ساز را هم چون تعلیق غنی

سازی ۲۰ درصد را برای دوره‌ای ۶ ماهه انجام داده و طرف مقابل نیز علاوه بر پذیرفتن غنی سازی در داخل خاک ایران، تلاش‌ها برای کاهش خرید نفت خام ایران را متوقف و بخشی از تحریم‌ها را لغو می‌کند. همچنین طرف مقابل ۴.۲ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی محدود شده ایران را در ۸ قسط آزاد خواهد کرد و علاوه بر آن تحریم‌های پتروشیمی، طلا و فلزات گرانبها را برمی‌دارد. (خبرگزاری مهر ۱۳۹۴/۱/۲۹).

شناسایی ایران به عنوان یک قدرت دارای فن آوری هسته‌ی و برخوردار از برنامه هسته‌ی صلح آمیز، از جمله چرخه‌ی کامل سوخت و غنی سازی از سوی سازمان ملل متحد و سایر کشورهای جهان یکی دیگر از دستاوردهای این دور از گفت و گوها بود. حتی فراتر از شناسایی فعالیت‌های هسته‌ی صلح آمیز کشورمان، ایران بر اساس توافق وین می‌تواند به عنوان صادرکننده اورانیوم غنی شده به بازارهای بین‌المللی وارد شود و ۲ محصول راهبردی «اورانیوم غنی شده» و «آب سنگین» خود را به بازارهای جهانی عرضه کند. در مجموع، نگاهی به مفاد مندرج در بیانیه‌ی وین آشکارا حاکی از توافقی با دستاوردهای کلان برای جمهوری اسلامی است؛ دستاوردهایی که با عنایت به خطوط قرمز و منافع ملی کشورمان ترسیم شده است. اصل اساسی در رسیدن به این مهم، اولویت «مذاکره» بر «مقابله» است به طوری که ۲ طرف به منظور دست‌یابی به توافقی برد - برد از بخشی از خواسته‌های خود می‌گذرند و بدون شک در توافق برد - باخت عنصر ثبات و پایداری وجود ندارد.

رهایی ایران از سوژگی و رفع ایران هراسی ساختگی از دستاوردهای مهم دیگر این توافق تاریخی است. با حل و فصل موضوع هسته‌ی ایران و خارج شدن پرونده‌ی کشورمان از زیر فصل هفتم منشور ملل متحد، فعالیت‌های هسته‌ی کشورمان به امری عادی تبدیل خواهد شد که این امر خود راه را بر کارشکنی دشمنان ایران مسدود خواهد کرد. از سوی دیگر به خاطر همکاری ایران با سایر کشورهای جهان در این زمینه و حضور تهران در بازارهای بین‌المللی به رغم هیاهوهای تبلیغاتی دشمنان، جهانیان از ایران چهره‌ی بی‌موجه خواهند دید. در نهایت پس از واری دقیق متن توافق وین می‌توان به این نتیجه رسید که اهداف ایران در حفظ توانمندی هسته‌ی، لغو تمامی تحریم‌های تحمیل شده هسته‌ی، لغو تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت و در نهایت خروج پرونده‌ی ایران از زیر فصل هفتم منشور تحقق یافته است. این موارد تنها دستاوردهای آنی توافق هستند چه بسا که دستاوردهای آنی این توافق تاریخی در اثر ورود ایران به بازار انرژی جهان و ایجاد فضای باز برای سرمایه‌گذاری به مراتب بیشتر از دستاوردهای مستقیم و گنجانده شده در متن توافق باشد. در واقع برخلاف دوران احمدی نژاد که کشمکش‌های هسته‌ی، به عنوان بحرانی مهم، امنیت ملی کشور را با تهدید جدی مواجه کرد، در دوران روحانی با حل و فصل بحران هسته‌ی، علاوه بر تأمین اهداف و منافع ملی، از بار تحریم‌های اقتصادی کشور نیز کاسته شد. این توافق در دوران روحانی باعث شد تا تنش‌زدایی به عنوان عاملی اساسی در سیاست خارجی دولت یازدهم خودنمایی کند و امیدها برای حل و فصل اختلافات با کشورهای مختلف بیشتر شود.

### ابعاد سیاسی و حقوقی برجام از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

از زمان تصویب برجام تا کنون موارد متعددی از تحریم‌های جدید، تمدید تحریم‌ها و تمدید وضعیت اضطراری از سوی دولت ایالات متحده به عناوین مختلف صورت گرفته است. دولت اوباما بارها تأکید کرده است توان تحریم‌های بیشتر علیه ایران را دارد و می‌تواند تحریم‌های قبلی را نیز بر اساس ادعاهایی همچون تروریسم یا حقوق بشر برگرداند.

هرچند دولت یازدهم نیز بارها گفته بود که این موارد نقض روح برجام است، اما متأسفانه متن برجام در این زمینه صراحت ندارد و چنین نقض‌هایی را به رسمیت نمی‌شناسد.

از سوی دیگر شروط مورد تأکید رهبر انقلاب در نامه‌ای که در آن به پذیرش مشروط برجام تعبیر شد، بیان کرده است: «در سراسر دوره‌ی هشت‌ساله، وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته‌ی تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه‌ی مجلس، اقدام‌های لازم را انجام دهد و فعالیت‌های برجام را متوقف کند.» سید عباس عراقچی در ۲۴ مهر ۱۳۹۵ با حضور در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تصریح کرد شروط رهبری نقض شده است، اما دولت در این موارد اقدام جدی انجام نداد.

آیت الله خامنه‌ای در بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۲/۰۸/۱۳۹۵ یادآوری کردند: «سازش با آمریکا مشکلات کشور را به هیچ‌وجه حل نمی‌کند؛ نه مشکلات اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را، بلکه بدتر خواهد کرد. ده پانزده دلیل وجود دارد و میشود شمرد و ردیف کرد برای این قضیه؛ آخری‌اش همین قضیه‌ی برجام است. من چقدر در طول مذاکرات گفتم که اینها بدعهدند، اینها دروغگویند، اینها پای حرفشان نمی‌ایستند؛ حالا ملاحظه میکنید! امروز آن کسی که دارد میگوید آنها بدعهدند دیگر من [فقط] نیستم؛ مسئولین محترم کشور، خود مذاکره‌کنندگان ما که این همه

زحمت کشیدند، یک سال و خرده‌ای مذاکره کردند، رفتند، نشستند، برخاستند؛ ده روز، پانزده روز، بیست روز خارج از کشور، پشت میز مذاکره با آن همه زحمت، عرق ریختند، زحمت کشیدند، آنها دارند میگویند. (<https://www.fardanews.com>).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چهارماه مانده به رسیدن به برجام، خطاب به مسئولان و مذاکره کنندگان هشدار دادند که با استفاده از نظرات مختلف و صرف نظر از بازه زمانی محدود به برطرف کردن مشکلات و جزئیات بپردازند: «الآن فرصت خوبی است برای همدلی؛ یک عده‌ای مخالفند، یک عده‌ای اعتراض دارند؛ خیلی خوب، مسئولین ما که مردمان صادقی هستند، مردمان علاقه‌مند به منافع ملی‌اند، بسیار خوب، یک جمعی از مخالفین را - از آن افرادی را که شاخصند - دعوت کنند، حرفهای آنها را بشنوند؛ ای بسا در حرفهای آنها یک نکته‌ای باشد که این نکته را اگر رعایت کنند، کارشان بهتر پیش برود؛ اگر چنانچه نکته‌ای هم نبود، آنها را قانع کنند؛ این میشود همدلی؛ این میشود یکسان‌سازی دلها و احساسها، و به تبع آن عملها. به نظر من بنشینند، بشنوند، بحث کنند. حالا ممکن است بگویند آقا ما سه ماه بیشتر زمان نداریم؛ خوب، حالا سه ماه بشود چهار ماه، آسمان که به زمین نمی‌آید؛ چه اشکالی دارد؟ کمالینکه آنها در یک برهه‌ی دیگری هفت ماه زمان را عقب انداختند. خیلی خوب، دوستان ما هم اگر چنانچه در این همدلی‌ها و هم‌زبانی‌ها و تبادل نظرها یک وقتی گرفته شد، چه اشکال دارد، وقتی گرفته بشود، یک خرده زمان آن تصمیمات نهایی عقب بیفتد؛ طوری نخواهد شد. (<https://www.fardanews.com>).

رهبری پس از به نتیجه توافق هسته‌ای، صراحتاً موافقت خود را نسبت به توافق هسته‌ای اعلام کرده بودند: «من هیچوقت به مذاکره با آمریکا خوشبین نبودم. با اینکه خوشبین نبودم با این مذاکرات موردی موافقت کردم و از مذاکره‌کنندگان حمایت کردم و می‌کنم. با توافقی که منافع و عزت ملت را حفظ کند موافقم.» ([www.mardomsalari.net](http://www.mardomsalari.net)).

### ماهیت تعهدات ایران در برجام از لحاظ حقوقی

یکی از موضوعات حقوقی که پیرامون توافق ایران و ۵+۱ مطرح است و در جایگاه بررسی ماهیت برجام نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت، پاسخ به این سوال است که آیا برجام یک توافقنامه بین المللی بوده و بایستی آن را در ذیل موضوعات حقوق معاهدات مورد بررسی قرار داد یا ماهیت آن قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد است و یا ماهیت دیگری متفاوت از این دو دارد. زیرا در صورت تفاوت ماهیت برجام بررسی روند قانونی و متن نهایی برجام و نحوه تاثیرگذاری هریک از نهادهای موجود در نظام حقوق داخلی جمهوری اسلامی ایران متفاوت خواهد بود. لذا سه فرض کلی در خصوص ماهیت برجام قابل طرح و بررسی است:

#### الف) فرض اول: برجام به عنوان ضمیمه قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل

با توجه به تصویب قطعنامه ۲۲۱۳ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، بر مبنای این فرض، برجام به عنوان پیوست قطعنامه‌ی شورای امنیت تلقی می‌گردد. طرف‌های مذاکره‌کننده پس از دستیابی به جمع‌بندی نهایی، بر تصویب متن نهایی برجام در قالب ضمیمه‌ی قطعنامه‌ی شورای امنیت توافق نموده، به دنبال تضمین اجرای برجام از طریق سازوکارهای مورد پذیرش حقوق بین الملل برآمده و بدین منظور متن برجام را ضمیمه‌ی قطعنامه‌ی شورای امنیت نموده‌اند. از همین رو برنامه جامع اقدام مشترک، ماهیتی متفاوت از قطعنامه‌ی شورای امنیت نداشته و به عنوان ضمیمه‌ی آن تلقی می‌شود و الزام حقوقی به اجرای تعهدات مندرج در برجام نیز به استناد الزام به موضوعات مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت می‌باشد. در نتیجه بر مبنای این فرض به منظور بررسی ماهیت تعهدات جمهوری اسلامی ایران باتیید به سراغ متن قطعنامه و نحوه‌ی الزامی شدن آن در نظام حقوق داخلی ایران رفت. بر اساس این فرض می‌توان بیان داشت که بر مبنای ادله‌ی موجود در متن برجام قطعنامه و برجام ماهیتی دوگانه و متفاوت از یکدیگر دارند و علت الزام آور بودن برجام صرفاً الزام ناشی از قطعنامه شورای امنیت نیست. بر اساس بند ۱۸ متن برنامه‌ی جامع اقدام مشترک چنین بر می‌آید که مفاد قطعنامه شورای امنیت به منزله مفاد برجام نیست. علاوه بر این از توالی اقدامات مشخص شده در بند ۳۴ برجام و پیوست شماره ۵ که تحت عنوان برنامه‌ی اجراء جمع‌بندی و تایید گردیده و نیز می‌توان دریافت که قطعنامه‌ی شورای امنیت و متن نهایی برجام متفاوت بوده و نمی‌توان برجام را صرفاً ضمیمه‌ی قطعنامه دانست. زیرا در بند "و" پیوست مورد اشاره ابتدا به روز نهایی شدن<sup>۲</sup> توافق اشاره دارد و تصویب قطعنامه‌ی شورای امنیت را به منزله‌ی تایید نهایی متن توافق می‌پندارد. در حالی که روز قبول و اثربخشی توافق ۹۰ روز بعد یا تاریخی که با رضایت طرفین مقرر شود، در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که برجام ضمیمه‌ی قطعنامه تلقی گردد و الزام آن ناشی از قطعنامه

<sup>۲</sup> . متعاقب جمع بندی مذاکرات برجام، گروه ۵+۱ (چین، فرانسه، آلمان، روسیه، انگلیس و آمریکا با نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجه و سیاست امنیتی) و ایران برجام را تایید خواهند نمود. بلافاصله بعد از جمع بندی مذاکرات برجام، قطعنامه پیشنهادی شورای امنیت سازمان ملل متحد جهت تصویب بدون تاخیر، تسلیم شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد شد.



شورای امنیت دانسته می‌شد، مفهوم روز قبول توافق<sup>۳</sup> و همچنین اثربخشی به آن (بند ۵ از قسمت ب پیوست ۵) بی معنا بوده و از هنگام تصویب متن نهایی قطعنامه در شورای امنیت، برجام نیز لازم الاجرا تلقی می‌گردد.

### ب) فرض دوم: قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد فرع بر جام

قطعنامه‌ی ۲۲۱۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص موضوع هسته‌ای ایران فرع بر توافق برجام می‌باشد. بر اساس این فرض برجام یک توافق بین المللی بوده و پس از جمع‌بندی به وسیله‌ی نمایندگان کشورهای طرف مذاکره (ایران و ۵+۱) به تایید رسیده و برای اظهار نظر کشورهای متعاهد مطابق با روند قانونی طراحی شده در حقوق داخلی کشورها و در فرصتی ۹۰ روزه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به بیان دقیق‌تر قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل از حیث ماهیت جدای از برنامه‌ی جامع اقدام مشترک ندارند. نتیجه عملی چنین فرضی، آن است که در صورت عدم تصویب متن برجام مطابق با حقوق داخلی کشورهای متعاهد، قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل نیز ممنوعیت نخواهد یافت. در مقام تحلیل و بررسی این فرض باید بیان نمود که فرع دانستن قطعنامه بر متن نهایی توافق و گره‌زدن موجودیت آن به تصویب نهایی برجام در کشورهای عضو به علت آن که موضوعات موجود در قطعنامه صرفاً تعهدات موجود در برجام نیست غیر قابل پذیرش می‌باشد. در این خصوص باید بیان نمود که هرچند برجام به عنوان یکی از پیوست‌های قطعنامه‌ی شورای امنیت دانسته شده و همچنین در متن برجام به لزوم تصویب قطعنامه اشاره گردیده، اما الزامات ذکر شده در قطعنامه صرفاً تعهدات توافق شده در برجام نبوده و موضوعات دیگری را نیز شامل می‌شود. به همین دلیل قطعنامه ماهیتی فراتر از فرع بر برجام بوده و فرض مذکور صحیح به نظر می‌رسد.

### ج) فرض سوم: برجام و قطعنامه، دو متن با ماهیتی جداگانه

بر اساس آنچه گفته شد برجام صرفاً ضمیمه‌ی قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل بوده که از این حیث الزام‌آور محسوب می‌گردد و همچنین نمی‌توان برنامه‌ی جامع اقدام مشترک را یک توافق‌نامه‌ی بین المللی دانست و قطعنامه‌ی شورای امنیت را صرفاً فرع بر آن مفروض داشت. بر همین اساس فرض سوم، قطعنامه‌ی شورای امنیت و برجام را دو متن با دو ماهیت متفاوت می‌داند. در تبیین این موضوع می‌توان گفت متن جمع‌بندی نهایی هیات‌های مذاکره‌کننده‌ی ایران و ۵+۱ که به تایید طرفین رسیده است، یک موافقت‌نامه‌ی بین المللی محسوب می‌گردد و باید مطابق با قواعد حقوق داخلی کشورها در زمینه‌ی حقوق معاهدات بین المللی مورد بررسی و تصویب قرار گیرد و از سوی دیگر کشورهای متعاهد ملزم به اجرای مفاد و مقررات قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل نیز هستند. مطابق فرض بالا اولاً قطعنامه‌ی شورای امنیت و برجام دو سند حقوقی مجزا از یکدیگر، با ماهیتی متفاوت می‌باشند؛ هرچند به علت وحدت موضوع بر یکدیگر تاثیرگذار خواهند بود. ثانیاً اثر حقوقی این تفکیک آن است که مطابق با متن برجام، نقض قطعنامه به منزله نقض برجام به حساب نمی‌آید؛ با وجود این باید توجه داشت که نقض تعهدات برجام پس از واجد اثر شدن سند برجام (روز قبول توافق)، به معنای نقض هر دو سند قطعنامه و برجام است. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که بر مبنای متن نهایی توافق، برجام صرفاً ضمیمه‌ی قطعنامه‌ی شورای امنیت نبوده و ماهیتی متفاوت از آن داشته باشد.

### جایگاه موافقت‌نامه‌ی بین المللی و قطعنامه در نظام حقوقی ایران

بر اساس نظام حقوقی داخلی جمهوری اسلامی ایران، قواعد حقوق بین الملل بر قواعد حقوق داخلی برتری ندارد و در حکم قانون عادی محسوب می‌شود (ماده ۹ قانون مدنی). بنابراین در صورت وجود الزام حقوقی در قطعنامه‌ی شورای امنیت، مجلس شورای اسلامی صلاحیت وضع قانون مغایر با آن را دارد، هرچند ممکن است که موجب مسئولیت بین المللی ایران گردد. ثانیاً با وجود فرض فوق، ماهیت دوگانه‌ی توافق و قطعنامه و فرآیندهای متفاوت تصویب هر یک از آنها در نظام حقوق داخلی نمی‌تواند موجب سلب صلاحیت نهادهای صالح داخلی برای بررسی هر یک از آنها باشد، ثالثاً به نظر می‌رسد با وجود ماهیت دوگانه قطعنامه و برجام، بنابر فرض پذیرفته شده به وسیله طرفین مذاکره‌کننده، در صورت عدم تایید برجام ظرف مهلت ۹۰ روزه، اساساً توافق لازم الاجرا و واجد اثر حقوقی شکل نگرفته و قطعنامه نیز که به منظور تایید متن برجام صادر گردیده است، لزوم اجرا نخواهد داشت. در نتیجه تصویب قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل نمی‌تواند مانع از بررسی و رسیدگی به موضوع برجام در نظام حقوق داخلی شود. متن نهایی توافق میان ایران و ۵+۱ موافقت‌نامه‌ای است که مبتنی بر اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، به طی تشریفات مقرر در آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیاز دارد و از آنجا که دارای وصف بین المللی بقوده و متضمن تعهد

<sup>۳</sup> روز قبول توافق ۹۰ روز پس از تایید برجام از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق قطعنامه‌ای که در بالا بدان اشاره شد یا در تاریخی زودتر از آن از طریق موافقت متقابل همه مشارکت‌کنندگان برجام خواهد بود و در این تاریخ برجام واجد اثر خواهد شد.

برای دولت ایران می‌باشد، در روند رسیدگی داخلی، بر اساس قانون جمهوری اسلامی ایران و نظرات تفسیری شورای نگهبان، صلاحیت تصویب آن انحصاراً در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار دارد.

### جایگاه برجام به عنوان قطعنامه شورای امنیت در نظام حقوقی ایران

برجام و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد دارای ماهیتی دوگانه اما مرتبط و تاثیرگذار بر یکدیگرند و از آنجا که قطعنامه شورای امنیت برای دولت جمهوری اسلامی ایران الزامات حقوقی در نظر گرفته است، ضروری است که جایگاه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظام حقوق داخلی جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار گیرد. بر اساس ماده‌ی ۲۵ منشور ملل متحد، اعضای ملل متحد توافق می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند؛ و از آنجایی که ایران به موجب ماده واحده‌ی "قانون تصویب منشور ملل متحد که در سانفرانسیسکو به امضاء رسیده است"<sup>۴</sup> در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ به عنوان یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد درآمده، ملزم به پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد. به عبارت دقیقتر نظام حقوقی ایران با تصویب قانون تصویب منشور ملل متحد توسط مجلس ملزم به اجرای تعهدات مذکور در منشور می‌باشد و یکی از الزامات ناشی از منشور ملل متحد که در ماده‌ی ۲۵ آن مورد اشاره قرار گرفته است، التزام به پذیرش مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت می‌باشد. از همین رو می‌توان گفت که دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم به پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت بوده و قطعنامه‌های مذکور را می‌بایست در حکم قانون عادی تلقی نمود؛ زیرا که چنین الزاماتی ریشه در منشور ملل متحد دارد و منشور ملل متحد به وسیله‌ی قانون عادی تصویب گردیده است و در نتیجه الزام قطعنامه ناشی از تصویب منشور ملل متحد به وسیله قوه مقننه بوده و در حکم قانون عادی تلقی می‌گردد. اما از آنجا که مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل ۷۱ قانون اساسی حق وضع قانون در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی را دارد و امکان اصلاح و تغییر در هر قانونی از وی سلب نشده، از منظر حقوقی می‌تواند مقرراتی مغایر با موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و تصمیمات نهادهای بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران به عضویت آنها درآمده است، تصویب نماید. در نتیجه قطعنامه‌ی شماره ۲۲۳۱ که به تایید و تضمین برنامه‌ی جامع اقدام مشترک پرداخته در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حکم قانون عادی محسوب می‌گردد. در ضمن الزام آور بودن و در حکم قانون عادی دانستن قطعنامه شورای امنیت با عنایت به ماهیت دوگانه و متفاوتی که در این گزارش برای برجام و قطعنامه در نظر گرفته شد مکفی از تصویب برجام توسط مجلس شورای اسلامی نیست و موافقتنامه برجام به عنوان یک موافقتنامه بین‌المللی که دارای ماهیت جداگانه‌ای از قطعنامه شورای امنیت است می‌بایست مطابق اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

### بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص معاهدات بین‌المللی؛ معاهده عبارتست از توافقی که به صورت مکتوب میان دولتها و تحت حقوق بین‌المللی منعقد شده باشد اعم از اینکه در یک و یا چند سند باشد و فارغ از اینکه چه نامی دارد. بر اساس این بند و فرض بر اینکه برجام یک معاهده بین‌المللی باشد، می‌بایست طرفین سند برجام را وفق حقوق بین‌الملل تنظیم کرده و بر همان اساس دارای حقوق و تعهدات بشوند. برجام سندی مکتوب است که میان دولت‌ها منعقد شده و بسیاری از مسائل حقوقی بین‌المللی نیز در آن رعایت شده است و اینکه نام آن برجام یا غیر آن باشد تأثیری بر معاهده بودن آن ندارد. اما حداقل دو نکته اساسی در اینجا حائز اهمیت است. یکی اینکه آیا رعایت برخی قواعد حقوق بین‌المللی موید آن است که برجام تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل قرار دارد؟ و دوم اینکه قصد طرفین برجام درباره وضعیت حقوقی آن چیست؟ در واقع در نظر گرفتن حقوق بین‌المللی در نگارش و انعقاد برجام توسط طرفین مذاکرات هسته‌ای بدان دلیل بود که این سند دارای آثاری مهمی نسبت به قطعنامه‌های شورای امنیت، پروتکل پادمانی الحاقی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی)، قوانین داخلی برخی کشورهای تحریم‌کننده و... بوده و مسائل حقوقی در این باره اهمیت بسزایی داشته است، اما این بدان معنا نیست که برجام تحت حاکمیت حقوق بین‌المللی قرار دارد تا بتوان آن را یک معاهده بین‌المللی دانست. امروزه به واسطه شباهت‌های بسیار زیاد میان اسناد حقوقی و غیر حقوقی (سیاسی) بین‌المللی و عدم ارائه شاخصه‌های متمایز کننده میان آنها در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، حقوقدانان بین‌المللی قصد طرفین در انتخاب طبیعت سند را ملاک ماهیت آن دانسته‌اند. این معیار به جهت منطق

<sup>۴</sup> . مجلس شورای ملی منشور ملل متحد را که در تاریخ پنجم تیر ماه ۱۳۲۴ مطابق ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در شهر سانفرانسیسکو به امضاء رسیده است، تصویب می‌نماید. این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن منشور پیوست آن می‌باشد در جلسه سیزدهم شهریور ماه یک هزار و سیصد و بیست و چهار به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

حقوقی قابل قبول به نظر می‌رسد. در واقع برای تحقق شرط «تحت حاکمیت حقوق بین الملل بودن»، دولت‌ها می‌بایست این قصد را داشته باشند که متنی که بر آن توافق شده به لحاظ حقوقی الزام آور باشد. به عبارت دیگر طرفین می‌بایست قصد به الزام آور بودن توافق داشته باشند، تا دولت‌ها بر اساس متن امضایی و وفق حقوق بین الملل دارای حقوق، تکالیف و تعهدات شوند. از این رو نباید هر تعهد یا متن امضایی را بعنوان معاهده یا توافقنامه بین المللی تلقی نمود و حق بررسی آن را به مجالس کشورها داد. زیرا در این صورت مشمول ضمانت اجراهای بین المللی شده و تعهدات حقوقی به دنبال دارد. به عبارت دیگر برجام ناشی از اراده دولت‌ها و پذیرفتن داوطلبانه تعهدات از سوی طرف ایرانی نگارش شده است و دولت ایران به گرات از واژه داوطلبانه استفاده کرده و خاصیت ویژه این تعهدات، بازگشت پذیر بودن آنهاست. همچنین اگر متنی مشمول حقوق بین الملل تلقی شود، ضمن عدم بازگشت پذیری، ویژگی الزام آوری داشته و غیر قابل تخطی است. مضاف به اینکه در صورت نقض معاهده از سوی یکی از طرفین، تعهد حقوقی برای طرف‌های دیگر بوجود آورده و طرف نقض کننده ملزم به توقف، عدم تکرار و جبران خسارت به طرف مقابل و اعاده به وضع سابق خواهد شد. به علاوه دولت زیان دیده تحت شرایطی مجاز به اقدام متقابل نیز خواهد بود. در مقابل معاهدات [الزام آور] بین المللی، توافقات غیر الزام آور یا سیاسی وجود دارند که ضمانت اجرای آنها سیاسی و اخلاقی است و این ضمانت اجراهاست که انگیزه و امکان تخطی دولت‌ها را از بین می‌برند، هر چند متن نگارش شده معاهده نباشد. لذا می‌بایست بین معاهده و توافق سیاسی بین دولت‌ها تفاوت قائل شد چرا که اولی در صورت نقض از مصادیق و اسباب تحقق مسئولیت بین المللی دولت‌هاست و دیگری با ضمانت اجراهای سیاسی و اخلاقی مبتنی بر تعهدات طرفین روبروست. لذا برجام از منظر حقوقی یک توافق سیاسی در خصوص حل همه مسائل کلیدی مربوط به پرونده هسته ای جمهوری اسلامی و لغو تحریم‌ها و قطعنامه‌های یکجانبه و چند جانبه شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. از آنجا که این سند ماهیت سیاسی داشته و حاصل یک تفاهم تاریخی سیاسی است، قطعاً اجرای آن بر اساس اقدامات متقابل خواهد بود.

## منابع و مراجع

- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۲). ماهیت حقوقی برنامه جامع اقدام مشترک ژنو، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان
- تاج زاده، علیرضا (۱۳۷۸) مبانی گفتمان سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر زرگر.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی. ۱۳۸۳. نظریه گفتمان و تحلیلی سیاسی. فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۲۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۹۳. امنیت هستی شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی. سال اول، شماره ۱.
- سلطانی، سیدعلی (۱۳۸۳) قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نشر نی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. " تحلیل توافقنامه ژنو از منظر حقوق معاهدات بین المللی"، قابل مشاهده در پایگاه اطلاع رسانی موسسه حقوق بین الملل پارس، ۱۳۹۲.
- کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی. ۱۳۸۸. نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی. فصلنامه سیاست. دوره ۳۹، شماره ۳.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۷) مبانی گفتمان سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر زرگر.
- مهری، عباس. ۱۳۹۶. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر آدینه.

- [jomhourieslami.com](http://jomhourieslami.com)

- [www.sharghdaily.ir](http://www.sharghdaily.ir)

- خبرگزاری مهر ۱۳۹۴/۱/۲۹

- [www.mardomsalari.net](http://www.mardomsalari.net)

- <https://www.fardanews.com>